

ضمیمه نشست امنیتی مونیخ

و

جمهوری اسلامی

امیر فیض- حقوقدان

پس از انتشار تحریر «نشست امنیتی مونیخ و جمهوری اسلامی»^۱ آقای ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی در رابطه با نشست مزبور و اظهارات وزیر خارجه عربستان، اظهاراتی داشته است که بحث در آن ممکن است به اعتبار و کاملیت نسبی تحریر نشست امنیتی مونیخ بیفزاید.

دم خروسی و قسم حضرت عباسی

اظهارات وزیر خارجه جمهوری اسلامی برای محور دور میزند که «ایران هیچگاه خصومتی را آغاز نمیکند و در واقع کشورش هیچگاه آغازگر خصومتی نبوده است».

از جهت فلسفی اظهارات ظریف در مورد «ایران» وارد است، تاریخ حقوق سیاسی «ایران» نشان میدهد که «ایران» هیچگاه متجاوز به کشور دیگری و یا آغازگر خصومت با همسایگان نبوده است، ولی این شهادت تاریخ متوجه «ایران» قبل از شورش ۵۷ است، که نظام مشروطه سلطنتی پایگاه حقوقی مقننه و اجرائی کشور را متصدی و بر اساس قانون اساسی مشروطیت، و «ایران مداری» صورت میگرد.

شورش ۵۷ و دستاوردهای آن دیگر مجالی به استناد به «ایران» قبل از شورش نمیدهد و امروز «ایران» از نظر حقوق بین الملل در محور جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن شناخته میشود و درست این است که بجای واژه «ایران» از جمله جمهوری اسلامی استفاده شود. در عبارت روشن؛ سند هویتی و سیاسی «ایران» قبل از شورش ۵۷، قانون اساسی مشروطیت ایران و سند «ایران» بعد از شورش ۵۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی (ولایت فقیه) است.

آری ظریف درست میگوید در قانون اساسی مشروطیت ایران که مبنای هویت حقوقی «ایران» و اقتدار دولت و مجلس و شاه در حد همان قانون بوده، و «ایران» نمیتوانسته آغازگر خصومت باشد، زیرا قانون اساسی چنین تکلیفی را برای دولت و ملت ایجاد نکرده بود.

ولی اکنون که مسیر حقوقی جمهوری اسلامی بر مبنای اسلام و قانون اساسی آن نظام تعیین شده و قانون اساسی جمهوری اسلامی مقرر میدارد که:

نخست آنکه، قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلابی که به زعم آنان، رخ داده، که حرکتی برای پیروزی تمام مستضعفین بر مستکبرین* بوده زمینه تداوم این "انقلاب" را در داخل و خارج

کشور فراهم میکند بویژه درگسترش روابط بین المللی با دیگر جنبش های اسلامی و مردمی میکوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار سازد....

دیگر نمیتوان ادعا کرد که جمهوری اسلامی آغازگر خصومت در سطح داخلی و خارجی نیست، زیرا کمک به مستضعفین کشورها و تشکیل امت واحد اسلامی و صدور انقلاب اسلامی به کشورها اولاً بصورت تکلیف دولت جمهوری اسلامی قرارداد شده و دوم اینکه نفس اعمال مزبور بدون خصومت ممکن نیست.

سوم اینکه استکبار در حقوق اسلامی به معنای زورگویی قوی برضعیف است که ممکن است داخلی و یا بین المللی باشد، پس معیار ثابتی برای تشخیص کشور مستکبر و مستضعف وجود ندارد و قانون اساسی جمهوری اسلامی هم کلی است و این بدان معناست که هرکس و یا هرکشوری را که جمهوری اسلامی تشخیص داد کشور استکباری و یا مستضعف است، در دایره تکلیف جمهوری اسلامی برای رسیدن به حسابش قرار میگیرد، یعنی قاضی و مجری حکم علیه کشور استکبار فقط یک نفر آنهم رهبر جمهوری اسلامی است.

بنابر اعلام لاریجانی (رئیس طویله اسلامی "مجلس اسلامی") در همین ششمین نشست انتفاضیه که در همین روزها در تهران تشکیل است گفت: «رهبر کبیر انقلاب مکرر در خطابه ها و همچنین وصیت سیاسی خودشان همگان را در دفاع از مستضعفان فلسطینی دعوت کرده اند».

اگر عمل مزبور که نوعی مداخله در مسائل جهانی و از حد و حدود همه کشورها خارج است مگر در راستای تصمیمات بین المللی جمهوری اسلامی به اعتبار تکلیف مقرر در قانون اساسی اش در مسئله فلسطین مداخله میکند.

نتیجه اینکه اظهارات ظریف در مقابل نصی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی مقرر شده فاقد ارزش و اعتبار است، این همان ضرب المثل دم خروس را باور کنیم و یا قسم حضرت عباس را، تداعی میکند قانون اساسی جمهوری اسلامی تکلیف دخالت و ابراز خصومت به کشورها و تقسیم آنها را به کشورهای کفر و مسلمان و لزوم جهاد و جنگ با کفار مقرر کرده (دم خروس) و بعد ظریف قسم حضرت عباس میخورد که ما اینکاره نیستیم.

بزرگترین کشورهای حامی تروریست

✚ در جریان نشست مونیخ و مصاحبه پی آمد آن گفته شد که «ایران» بزرگترین کشور حامی تروریست است.

خیر، چنین ادعائی درست نیست؛ «جمهوری اسلامی» مشخص ترین کشور حامی تروریست و مداخله کننده در امور کشورهاست نه بزرگترین آنها.

بزرگترین کشور حامی تروریست کشوری است که اقتدار و امکان دخالت در امور کشورها را چه از نظر موقعیت جهانی و یا قدرت نظامی و سیاسی داشته باشد؛ جمهوری اسلامی آن موقعیت را ندارد و آن موقعیت، از آن کشوری مانند آمریکا است، ولی از آن جهت، جمهوری اسلامی مشخص ترین کشور در مداخله در امور کشورها و کمک به تروریست ها تحت عنوان مستضعفین است که چنین حکم و تکلیفی در قانون اساسی آن کشور مقرر شده است، که در قانون اساسی هیچ کشوری چنین تصریح و تکلیفی برای آن

دولت نیست، و بدین دلیل جمهوری اسلامی تنها کشوری است که نقش آشکار خود را در آشوب های کشورها و کمک به تروریستها تحت عناوین اسکتبار و مستضعف که فاقد ضابطه حقوقی است اعلام رسمی کرده است.

اهمیت صراحت قانون اساسی جمهوری اسلامی

اهمیت ایجاد تکلیف برای جمهوری اسلامی در صدور انقلابش به کشورها و تبدیل ملت ها به امت اسلامی واحد، در قانون اساسی آن جمهوری یک تعارف نیست؛ هیچ تفاوتی با حفظ اسلام و یا حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران ندارد و مترتب بر این معناست که همانطور که جمهوری اسلامی به اعتبار اصول قانون اساسی خودش موظف به حفظ موازین اسلامی و استقلال و تمامیت ارضی کشور هست همانطور هم مکلف به صادر کردن انقلاب اسلامی هم بوده است؛ بنابر این اگر در مدت ۳۸ سال زیر بار این تعهد، کاری برای انتقال و صدور انقلاب اسلامی به کشورهای کفرنکرده و یا نتوانسته در موقعیت استیضاح قرار گرفته است.

رعایت اصول بین المللی

بخش دیگری از اظهارات آقای ظریف، آنجاست که اظهار امیدواری کرده است که کشورهای شرکت کننده در نشست امنیتی مونیخ به قواعد بین المللی احترام بگذارند و به دنبال تصمیمات جنگلی نباشند.

این توصیه و یا ایراد آقای ظریف هم از نظر کلیت موضوع وارد است؛ ولی بهیچوجه به جمهوری اسلامی توجهی ندارد زیرا مصداق رطب خوره منع رطب چون کند است.

در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است:

قوه مجریه به دلیل اهمیت ویژه ای که در رابطه با اجرای احکام و مقررات اسلامی بمنظور رسیدن به روابط و مناسبات عادلانه حاکم بر جامعه دارد بایستی ره گشای ایجاد جامعه اسلامی باشد؛ نتیجتاً محصور شدن در هر نوع نظام دست و پاگیر پیچیده که وصول به این هدف را کند و یا خدشه دار کند از دیدگاه اسلامی نفی خواهد شد.

یعنی اصول حقوق بین الملل - اعلامیه جهانی حقوق بشر - منشور سازمان ملل و تمام عهدنامه های بین المللی که بنحوی از انحاء هدف جمهوری اسلامی را (که از آن جمله است صدور انقلاب اسلامی به کشورها) کند و یا خدشه دار میکند همه نفی خواهند شد.

واقعا جامعه جهانی میتواند چنین کشوری را عضو سازمان ملل بشناسد که تمام تصمیمات جهانی را تصمیمات دست و پا گیر میداند؟

سازمان ملل و کشورهای عضو سازمان از جمهوری اسلامی خواستار رعایت منشور سازمان و اعلامیه جهانی حقوق بشر و قطعنامه های سازمان هستند در حالیکه در قانون اساسی جمهوری اسلامی همه آنها در یک جمله، مقررات دست و پاگیر معرفی شده و جمهوری اسلامی صریحاً آنها را نفی کرده است؟

واقعا کی سازمان ملل متحد می خواهد به این تناقض آشکار رسوا کننده توجه کند؟

نتیجه اینکه آقای ظریف با وجود چنین آرتیکلی در قانون اساسی جمهوری اسلامی نمیتواند، متکی به اصول حقوق بین الملل باشد!

تحریک کشورها

❖ ظریف گفته است «سرمایه موشکی ما دفاعی است و بدنبال تحریک کسی نیست».

دم خروس یا قسم حضرت عباس بازهم شامل این ادعای ظریف است روی موشکهای ساخت جمهوری اسلامی نوشته شده برای نابودی اسرائیل، معنای این حرکت که در هیچ کشوری معمول و متداول نیست آیا چیزی بجز تحریک اسرائیل نمیتواند باشد؟

❖ فرمانده قرارگاه پدافند هوایی جمهوری اسلامی در اواخر همین سال ۹۵ گفته است «هیچگاه با استکبار جهانی سرسازگاری نخواهیم داشت و اگر مقام رهبری لب ترکند دشمنان خبیث نظام مقدس جمهوری اسلامی را از اعمال ننگینشان پشیمان خواهیم کرد».

(گزارش ایسنا در مراسم بابا خانی)

❖ سرتیپ خسرو عروج مشاور امنیتی سید علی خامنه ای گفته است «نیروهای ایرانی از بوسنی و جمهوری آذربایجان تا آفریقا همه جای عالم اگر به کسی زور گفته شود به آنجا خواهند رفت».

❖ حسن عباسی که به تنوریسین رژیم شهرت یافته در ویدئویی گفته است: «ما دو میلیون ایرانی در آمریکا داریم؛ مطمئن باشید من از دل اینها دو میلیون سرویس چریکی در می آورم و اینرا خوب شما خبر دارید، اگر به مسئله سپتامبر یازده نگاه کنید چند تا عربستانی که روح سلحشوری ندارد، توانستند اینچنین بنیان شمارا بخطر بیاندازند، شما با ملتی طرف هستید که عقبه اش عمیقتر است...»

آیا چنین اقدامی باعث تحریک و نگرانی کشورهای همسایه؟ و آیا این حق نامعلوم و نامشخص چیزی است که حقوق بین الملل به عهده کشوری گذاشته باشد که آنها هم جمهوری اسلامی است؟؟

❖ تقویم جمهوری اسلامی روز ۱۳ آبان هر سال را که سالگرد گروگان گیری کارمندان سفارت آمریکا است، روز مبارزه با استکبار جهانی یعنی آمریکا میداند؛ آیا عمل گروگان گیری و رفتارهای متعاقب آن به معنای تحریک کشور آمریکا نیست؟

ایران هدف آسانی نیست

ظریف با تمرکز گفتگو روی مقاومت مردم ایران به این نتیجه رسیده که «ایران» برای کشورهای متخاصم هدف آسانی نیست؛ یعنی پس از جمع بندی مصاحبه به این نتیجه رسیده که حقانیت دول متخاصم را در اقدام نظامی علیه ایران پذیرفته ولی از این راهنمایی هم غافل نمانده که کشورهای متخاصم بدانند که «ایران» هدف آسانی نیست.

❖ اگر ظریف آنطور که مدعی شده >باید کشورها به اصول و قوانین بین المللی احترام بگذارند چرا باید اصلا وارد مسئله تعرض به «ایران» بشود که موضوع مقاومت و یا عدم مقاومت ایران مطرح گردد این همان داستان "عسس مرا بگیر است"<.

❖ آری کار «ایران» دشوار است کما اینکه کار نظامی علیه هر کشور در جهان آسان نیست، ولی این هنر و زیر خارجه کشور نیست که آسانی و یا دشواری نیروی مهاجم را در حمله به کشورش مطرح کند، این نوعی ایجاد استعداد نظامی برای دولت متخاصم است، تا آگاه باشد و یا شدت و تقویت نظامی کامل علیه ایران وارد عملیات نظامی بشود. تکلیف مهم و حساس وزیر خارجه کشور دور کردن خطر نظامی از کشور است، نه توصیه سخت بودن حمله به ایران.

مگر حمله به عراق و سوریه و لیبی و افغانستان و یمن آسان بوده است؟ برفرض هم که کار «ایران» آسان نباشد خوب حاصل آن برای ایران جز ویرانه سازی و تجزیه ایران چیست؟

تدبیر و دوراندیشی

ظریف دوبار در این مصاحبه از واژه های تدبیر و دوراندیشی استفاده کرد؛ مصاحبه کننده هم بطور ضمنی موقعیت سخت و تاحدی و خیم جمهوری اسلامی را هم مطرح ساخت، و در واقع ظریف رابه دوراندیشی و تدبیر در اقدامات خصمانه کشورها علیه «ایران» دعوت کرد و این بدان معنا بود که جمهوری اسلامی دست از توقعاتی که نه ممکن است و نه در حد جمهوری اسلامی و نه اساسا دنیا حاضر به پذیرش و حتی شنیدن آن است، دست بردارد و با اصلاح قانون اساسی و با حذف اصولی که مغایر با حقوق بین الملل است از کشورهای متخاصم سلب بهانه سازد.

«ایران» را به جنگ هل دادن کار مهمی نیست دور ساختن ایران از جنگ یک هنر دیپلماسی است.